



ارتقاء بهره وری در

بانک ها

مصاحبه با جناب آقای مهرداد میرزازاده

جناب آقای مهرداد میرزازاده، کارشناس ارشد ارزیابی عملکرد شرکت‌های اداره سرمایه‌گذاری بانک رفاه کارگران، مدرس شبکه بانکی، کارشناس حوزه بانک و ارز رادیو اقتصاد و نویسنده کتاب «حسابداری با رویکرد بانکی» در گفت و گو با مجله علمی مدیران مبتکر درباره ارتقاء بهره وری در بانکها:

همین راستا از آنها استقبال خوبی بعمل آمده است. البته یکی از مشکلات فین تک‌ها امنیت آنهاست که به دلیل عدم زیرساخت‌های صحیح و اثربخش مقداری با مشکل مواجه شده است. از طرفی با توجه به اینکه بانک‌ها واسطه‌گری وجوه را انجام می‌دهند، در موضوع بهره وری کاری که می‌توانند انجام دهند اعمال ساز و کار پرداخت تسهیلات به کسب و کارها و استارت‌آپ‌های نوین است که معمولاً نرخ بازدهی بالایی دارند. البته با توجه به اینکه بازده برخی از استارت‌آپ‌ها بالای ۱۰۰ درصد است، چنانچه محدودیت‌های نهاد ناظر بر نرخ سود بانک‌ها وجود نداشت، بانک‌ها می‌توانستند با حمایت مالی و یا مشارکت در این فعالیتهای اقتصادی

بهره وری تعاریف مختلفی دارد اما اگر بخواهم آن را در حوزه بانکداری تشریح کنم از آن به عنوان حفظ وضع موجود نام خواهم برد. ما در حوزه بانکی بیشتر به دنبال کاهش هزینه‌ها هستیم تا افزایش بهره‌وری چرا که در نهایت کاهش هزینه‌ها احتمالاً منجر به ارتقای سودآوری خواهد شد، در همین راستا بانک‌ها به سمت استارت‌آپ‌ها یا فین تک‌ها می‌روند. این اپلیکیشن‌ها در زمینه افزایش بهره وری بسیار اثربخش هستند و کمک بسیار مهمی به شبکه بانکی می‌کنند که از جمله کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمدهای کارمزدی (درآمدهای غیر مشاع) و حذف محدودیت‌های زمانی و مکانی بانک‌ها است که در

به نوعی شریک در بهره‌وری اقتصادی این گروه از مشتریان باشند. بنابراین با توجه به ممنوعیت اخذ بیش از ۱۸ درصد سود با توجه به ریسک بالای این نوع کسب و کارها بانکها بیشتر ترجیح می‌دهند که به بازارهای سنتی تسهیلات پرداخت نمایند به دلیل اینکه چندین سال مشتری‌شان بودند و نوع جنس و کارشان برای آنها مشخص شده است. اما اگر شبکه بانکی به جایی برسد که محدودیت‌های دریافت نرخ سود توسط نهاد قانونگذاری برداشته شود می‌تواند به صورت موثری با کسب و کارهای نوین که با بازدهی بالا همراه است اما ریسک بالایی هم به همراه خواهد داشت، مراودات بیشتری داشته باشند.

در چند سال اخیر بانک مرکزی به بانکها اجازه داده است که بخشی از سرمایه خود را سرمایه‌گذاری کنند که در حال حاضر این نسبت ۲۰ درصد سرمایه پایه هر بانک است که البته این ظرفیت قانونی عمدتاً توسط بانکها استفاده شده است و نسبت به تاسیس شرکت‌های ابزاری از جمله شرکت‌های مرتبط با حوزه بانکداری الکترونیک و فناوری اقدام نموده‌اند تا اولاً امنیت اطلاعات هر بانک در اختیار شرکت خود بانک با و ثانیاً درآمدی که این شرکتها کسب می‌کنند در تراکنش کلی بانک درج می‌شود و منافع آن به خود بانک می‌رسد. لذا از همه این مسائل، شبکه بانکی سالهاست

که درگیر چالشی است بنام نرخ سود بانکی، اعم از نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری که از چند ده سال پیش تا کنون عمدتاً افرادی که نزد بانکها سپرده‌گذاری نمودند، به دلیل تورم بالا نه تنها ارزش افزوده‌ایی از این سپرده‌گذاری کسب نکرده‌اند بلکه بخشی از قدرت خرید خود را نیز از دست داده‌اند و به عبارتی دچار زیان شده‌اند و از منظر بنده بعنوان کارشناس بانک، بانکها در مقام وکیل سپرده‌گذار به وظیفه قانونی، شرعی و اخلاقی خود به درستی عمل نکرده‌اند. البته که بخش زیادی از این ناکارآمدی متوجه مقامات ناظر بر بانکها است لیکن در اصل موضوع عدم بازدهی سپرده‌های سرمایه‌گذاری تأثیری ندارد و از طرفی چالش بالا بودن نرخ سود تسهیلات در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز موجب نارضایتی این گروه از مشتریان بانکها شده است و در مقام قضاوت بین دو گروه از مشتریان، به نظر گروه دوم (تسهیلات گیرندگان) می‌بایستی تغییرات اساسی در مدل کسب و کار، مدیریت، بهره‌وری، آموزش کارکنان، توسعه بازار، افزایش کیفیت و در نهایت ارزش آفرینی ایجاد نماید و انتظار است در فضای اقتصادی با تورم بالای ۳۰٪ این گروه از مشتریان بانک کسب و کار خود را طوری تنظیم نمایند که قادر به بازپرداخت حداقل نرخ سود معادل تورم باشند و این جز از طریق افزایش بهره‌وری امکان پذیر نیست.